

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۱۴۰

بازدید شد  
۱۳۸۵

۱۱۰۸۳-ن

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
۱۰۴۱۲


کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: طش سعادت	شماره ثبت کتاب ۱۷۵۲۳
مؤلف: محمد امین	
موضوع: شماره قفسه ۱۰۴۰۸۱	

خطی  
کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی  
۱۴۰۸۱

بازدید شد  
۱۳۸۵

سن ۱۱۰۸۳

۱۰۴۱۲

کتابخانه مجلس شورای ملی		 شماره ثبت کتاب ۸۷۵۲۲
کتاب: طش سعادت		
مؤلف: محمد امین		
موضوع: شماره قفسه ۱۰۴۰۸۱		

خطی  
کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی  
۱۴۰۸۱

۳۹  
کتابت  
مکتب  
۱۱۴۱

۱۱۴۱-۱۱۴۲

نسخه  
محمد اس

۱۱۴۱

نسخه  
محمد اس

نه از لالت و غزیر و اور و گورد  
که از نیت و خنیل و مسوخ کرد

افق  
نسخه  
محمد اس

۱۴۵۱

خط

۱۱۴۱-۱۱۴۲



کدامکاش زبانه کشید طاق کبری که کتب مبارق برق تار و پود  
سخت کین طبعی غصه بی انتهای به بالا را این دار و در دولت ایمان زواری  
نور کتب مبارک که اعتباری چون خیال اقبال دنیا را صدایک و سلامی یک  
عبد و اگر الامی دوامی الهام و نیت الی سبیل الی را در کشتن دوی  
ضلالت را بنور هدایت هدایت فرمودند و ابواب رحمت عام بر رخ  
خاصی عام شودند **س** سرگردم زدم از هم می گوید و نویسیان در عالم  
ابو کرم و عثمان و جبرئیل معنی آن همه اعلی و اولی از اعمال حسن اخور  
ندارد **ب** بخیر خست چنان شد **ب** بجا و دو بار مرصا و قافیه  
چو موسی در خدا دارم تو لا **ق** نقی را چون نقی از بند کلام دفع عسکری  
در زمین **ب** شوم از غایت داران مهدی **ب** بدل دارم همیشه  
این **ب** بود از دولت ایمان این را **ب** این سودا و شایه کافیه  
بر غیر روشن ضمیران خوش طبع روشن با و کرده هم کوئی بجای  
محد این بعد محو نور و سیاهی بیان کردی بیشتر از توفیق قیام  
قسمت یکسجده و کلمات از غاده الفیاد کشتن قدم نموده کشید **س**  
ارت زرق هر جا که و داند زرق **ب** ضرورت است ندان اولی و دایره  
در کشته که از و کشید و کجای نوی و شرح سخاوت سمات  
ارکات که رکعت آبادی و اادی از اقصای و سخاوت زواری

قبیل بنی برادره رسید پس  
سخت کین طبعی غصه بی انتهای به بالا را این دار و در دولت ایمان زواری  
نور کتب مبارک که اعتباری چون خیال اقبال دنیا را صدایک و سلامی یک  
عبد و اگر الامی دوامی الهام و نیت الی سبیل الی را در کشتن دوی  
ضلالت را بنور هدایت هدایت فرمودند و ابواب رحمت عام بر رخ  
خاصی عام شودند **س** سرگردم زدم از هم می گوید و نویسیان در عالم  
ابو کرم و عثمان و جبرئیل معنی آن همه اعلی و اولی از اعمال حسن اخور  
ندارد **ب** بخیر خست چنان شد **ب** بجا و دو بار مرصا و قافیه  
چو موسی در خدا دارم تو لا **ق** نقی را چون نقی از بند کلام دفع عسکری  
در زمین **ب** شوم از غایت داران مهدی **ب** بدل دارم همیشه  
این **ب** بود از دولت ایمان این را **ب** این سودا و شایه کافیه  
بر غیر روشن ضمیران خوش طبع روشن با و کرده هم کوئی بجای  
محد این بعد محو نور و سیاهی بیان کردی بیشتر از توفیق قیام  
قسمت یکسجده و کلمات از غاده الفیاد کشتن قدم نموده کشید **س**  
ارت زرق هر جا که و داند زرق **ب** ضرورت است ندان اولی و دایره  
در کشته که از و کشید و کجای نوی و شرح سخاوت سمات  
ارکات که رکعت آبادی و اادی از اقصای و سخاوت زواری

خطی

با فخر و محبت چنان شد قس **ب** کتب مبارک که اعتباری چون خیال اقبال دنیا را صدایک و سلامی یک  
در زمان دست و پا دولت غصه کرم بخور زری کرمات ایما بعضی اوقات  
تحریر مفاصحات فیض آیات با عزه و عزرائقه و امور دیگر و چون  
نظر کتب از پیش از روی نواریش با وجود عدم ایات و توفیق  
بر روی مسود و میکشد فیضی قول قبول مقبول یک کس قبول  
صید کشتن ایمان عت کجاست تو به عزرائیه هر آن بسامع  
مجامع رسیدنا انگلی غایتش زبان او روی زبانان سرایا  
همین شل در آمدن در این نظام قدم در نهستان شربت  
که کشند و بعضی بر زبان قدر و آن بکلیف تیر می کشند  
لاجر که غصه و شمع **ب** خطرات این حرف ریزه چندا  
که فرزند این ذره بمقدار اند از روی مهر بری  
که گفته اند **س** فرزند اگر چه عیبنا که است **ب** و حشمت بر عیب پاک  
بخش لای آید در رشته از غایت کشیده بکشتن سعادت موسوم  
و بجهت فضل مقصود که داند **فصل اول** صفای نواب سعادت  
اشتباه بر زبان و عزرائیه عالی اجتناب **فصل دوم** رفاقم را  
عالم را با جفا و اصداف **فصل سوم** مفاصحات خان میرا با فضل  
و آسان فضل ایخان با عزه و بار و بر زبان رو کافیه **فصل چهارم**

بخت و محبت چنان شد قس **ب** کتب مبارک که اعتباری چون خیال اقبال دنیا را صدایک و سلامی یک  
در زمان دست و پا دولت غصه کرم بخور زری کرمات ایما بعضی اوقات  
تحریر مفاصحات فیض آیات با عزه و عزرائقه و امور دیگر و چون  
نظر کتب از پیش از روی نواریش با وجود عدم ایات و توفیق  
بر روی مسود و میکشد فیضی قول قبول مقبول یک کس قبول  
صید کشتن ایمان عت کجاست تو به عزرائیه هر آن بسامع  
مجامع رسیدنا انگلی غایتش زبان او روی زبانان سرایا  
همین شل در آمدن در این نظام قدم در نهستان شربت  
که کشند و بعضی بر زبان قدر و آن بکلیف تیر می کشند  
لاجر که غصه و شمع **ب** خطرات این حرف ریزه چندا  
که فرزند این ذره بمقدار اند از روی مهر بری  
که گفته اند **س** فرزند اگر چه عیبنا که است **ب** و حشمت بر عیب پاک  
بخش لای آید در رشته از غایت کشیده بکشتن سعادت موسوم  
و بجهت فضل مقصود که داند **فصل اول** صفای نواب سعادت  
اشتباه بر زبان و عزرائیه عالی اجتناب **فصل دوم** رفاقم را  
عالم را با جفا و اصداف **فصل سوم** مفاصحات خان میرا با فضل  
و آسان فضل ایخان با عزه و بار و بر زبان رو کافیه **فصل چهارم**







و در آنکه محسن دوری نمودی که با فضلش بدین مشهور است  
 و حق صورت می باشد که معاودت بسعادت بزم انبساط ابروی  
 بخشند محبت الدعوات بر سر نشاندن این انزلی را از فضل  
 ظهور جلوه کرد و اندر زیاده آنچه نویسد شوق است از فضل محکم انبیا  
 کتم **نواب سید علی** بر عذر داشتند و می گفتی که ای ادب  
 عبودیت را بسید با یافتن در شب که در کرامت تجرد است  
 و قدیم هم اسم عقیدت را واسطه حصول سعادت باشد بعض  
 بار با جناب فضل ماب خداوندند و گشتن این خدا مکان  
 صاف است اینان مد ظله العالی میسر که صاحب و طایف دعای  
 اعتقاد الوای دولت باندانها را بفضای خلوص عبودیت نوعی  
 از عباد و معبود بر حق تصور نموده با آنرا شکر استحقاق سعادت  
 و این اشتغال دارد و محبت الدعوات مرقی بدایع اجابت برافند  
 در بندت و در نوازش اندامی بر بندگی گشتن شده هر چند  
 استعاضای دوام این نوازش مقتضای ادبیت لیکن نظر  
 بر عطای انجاری را که گاه که بر شحات ملک عنایت سلک بر فضل  
 و کرم می شده باشد بنده نواز است از راه صدق ارادت چندین  
 بهو گیری و مرمی که پسند طبع عالم اندر است ارسال حضور

کشف  
 از عالم  
 کتب

خط

بوجود آن و اندک شسته منظر و فضل او تعالی باشد که  
 حجاب دوری صورتی از میان برداشته و این آرزو بر سر است  
 ضمیر صراحت تجرد و ششاس کشور و خبر می و ای در اندیشه محبت  
**نائب خان** خاندان که کم ستر سعادست و روزگار غمزدی  
 عکس طرف غم خوری و غمزدای خاطر غمزه فرموده بجا کرامت  
 کا که حکم کامل اگر بر شکیب اختیار می و اضطراری را و این در دو غم  
 و این غمزدان منصفیت که در این تجرد خبر مکرر باب  
 سعادت دمی که غمزدان بهجوم محمود جویان می است و اگر  
 رشتن بار و بود و تعلیق سلسله غفلت برای گشتن کان وادی  
 اندوخته می گذشتند و صاحب صایب نایب نظام عالم را  
 از جا بر میداشت **کرماندوی** و تب غم آدمی **نائب خان**  
 و رقاصه می و کمی این جهان و بران شدی اندر زمان **نائب خان**  
 بر وزن شدی از مردمان **نائب خان** این عالم ای جان غفلت  
 بهوشیار می این جهان را افت است **نائب خان** حال چنگ که درین کارگاه  
 نایب رحمت اقامت داده اند بر وزن ایام شکار است و درین  
 باز سر که صحنی است **نائب خان** خوشی باشد جهان ناکش بران غمش  
 که درین غم نشناخته که کم پیش **نائب خان** بفضای اتحاد و محبت

درین باور است که نیک و نیک  
 بر این جهان نوبت باطل که است  
 نواب ای کمال نیست باقی صورت  
 این باور را از نظر عالمی بیند  
 قصد که کلمات گذارنده عالمی  
 بر این جهان غایت کمال است  
 دانسته باشد زیاده و چه بکار  
 جز از روی مواظبت بر باد است  
 که نایب شاد **نائب خان**  
 فاقه که بر این کمال که است  
 و در دنیا نامی یاد از شفقت  
 و هر دقیقه که در دنیا نامی یاد  
 او بهای آن یاد را که درین  
 وقت میادین از یاد گذارسته  
 می که از یاد عالمی یاد آن  
 عکس که درین عالمی نامی یاد





که ششتری

که شعر حال بستاند و قلوب زبان در ظرف حرفه کجایه و نیت  
اشتیاق رونق پذیری بزم محبت و وفای بدست لطف محبت  
نه بجای که مکرر کند سخن غزل از این بیان تو را بر جبهه صریح  
سوز دل من کار فایده نماند ای جویندگی عزمه آتش دل را  
شهادت لایهای صدف اتها بر بصورت و اندیشه مضطرب روی  
یکبار که گشود برانی الغیر و محال پذیرم ندانم در بیان اینصفت  
میل از تو که گفتم **ص** دل شریف صفت احوال بدو پیش  
تا شرح اشتیاقهای بیان کند **ب** بدین مفاصل از دستهای  
بخت اقبال رونق بخش محال عیار کرده باشند در غم که مژده  
نونی یکبار که رو و کار تمام اندوه و غم از دست و پیش از  
انقضای نام و موده غل امواج با نیت انعطاف تابناک بود  
مشغولان منم که بود و در حضور و لطف کفر نمود و مسرور  
که در صدای آخر مینویس مقصود بیان با نیت خوش طبع مسعود بود  
این حرف طلب از زبان غزل است **ب** محال میطلب زیاده بود  
تا بجز این غزل از احوال خسته دل و طور حضور ز کائنات و یاد  
و صورت مرا بکار کارای که با نیت ظهور از طریق را اضطرار  
کردیم اطلاع فرمایند چه بزم تنهایی غزل از دست و نیت ظاهر







نول سلسله نوشتند و از مدخل را در وقت منزل از مدخل این احوال تهیه  
اشغال بسای هر مرتبه است که در یک طریق اینصورت مخالفت طریق از قبل  
بکلام او در هوا یک طریق اینصورت توان کرد هر چند تا مثل شکر که در کوچه  
این شکر به انداختن و در هر دو طرف و در هر دو طرف این احوال که  
جرات کرد و در بعضی قدیم با هر یک به سیدان و تقاضا که  
سکات حق این شکلات باطل احوال این در وقت این احوال که  
ما در صورت کرد و در مقام بود یکی بافت خلاف این از حلیه در حقیقت  
حرف از راه غلام نوری این عظیمه سیدان این بافت نوعی شکر بود  
خاص کرد که در غرات صوری و معنوی بود و بهر یک که نظر کرد  
شوم را با این جنس از راه جز از این بود خاص به هر چه در وقت  
نول سلسله نوشتند و از مدخل را در وقت منزل از مدخل این احوال تهیه  
اشغال بسای هر مرتبه است که در یک طریق اینصورت مخالفت طریق از قبل  
بکلام او در هوا یک طریق اینصورت توان کرد هر چند تا مثل شکر که در کوچه  
این شکر به انداختن و در هر دو طرف و در هر دو طرف این احوال که  
جرات کرد و در بعضی قدیم با هر یک به سیدان و تقاضا که  
سکات حق این شکلات باطل احوال این در وقت این احوال که  
ما در صورت کرد و در مقام بود یکی بافت خلاف این از حلیه در حقیقت  
حرف از راه غلام نوری این عظیمه سیدان این بافت نوعی شکر بود  
خاص کرد که در غرات صوری و معنوی بود و بهر یک که نظر کرد  
شوم را با این جنس از راه جز از این بود خاص به هر چه در وقت

19

[illegible]













[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]







[illegible]

10

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لاهله  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
طاهرين أجمعين  
فقد رزقنا الله من نعمه  
ما لا نحصى والحمد لله  
على ما رزقنا من هذه  
النعمتين العظيمتين  
والسلامة والبركة  
والخير واليمن والبركات

عبدالله بن محمد

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

دعا

[illegible]

سنو  
یعنی کتب و شمع

[illegible][illegible]

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

[illegible]



[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

بنور کفر خط و نور کفر  
 نظیر این حالت تحصیل  
 دانسته غرض از این اول  
 از این دادی در حیدر  
 خود شدم در حق خدای  
 بنور کفر که نور دانی باز  
 حیدر است که نور دانی باز  
 دل میزد از آنکه از آنجا  
 نه استیلا که از آنجا  
 ضرورتی که از آنجا  
 مانده و منتظر و دل













که اختلاف دل و زبان شان محتاج شرح و بیان نیست نموده اند  
 عرض نمود و توجیه قدیم ساهی شاه قدوسیت و توفیق کی این بهر  
 از دین و دین در حضور کافیت **ت** خبر دوست ز دل  
 بر سر کمال دل میداند **ت** نفس قاصد او برود و می آید بر او غرور  
 جنت را می بسبب اضطراب و الدنیه ضعیف نمود و جدائی قدوسی اقتضای  
 کرده بخت نفی می دوست برسد از این هر یک که با توجیه عالم و کلام  
 دل برسد و می آید نسبت خاص بجناب عالی دارو یقین است **ت** الله  
 مورد اتفاقات خواهد بود **ت** و درستان را کی نمی محروم شود  
 با دشمنان نظرداری **ت** احوال قدوسی و بعضی امور ضروری و ضرورت  
 التوجیه بعضی خواهد بود و غایط طار را متوجه خواهد کرد و امید  
 لطف و مهربانی برب العزیز **ت** کتاب یحیی بن کمال باب بناریخ  
 باز و هم که در کتاب فی سبک الهی بنویسند و توجیه و تفسیر  
**ت** کتاب فی سبک الهی



